

ندای اصفهان

درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی- کتاب الصلاة

کدخبر: 133628

30 اسفند 1399 در ساعت 6:48 ب.ظ

ندای اصفهان- حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (حفظه الله) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ شنبه ۲۵/۱۱/۹۹ به نظر طلاب و علاقه مندان می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی [اینجا](#) را کلیک کنید.

کتاب الصلاة- فصل فی الصلاة المسافر- احکام نماز مسافر- شرط چهارم قصر نماز- مسئله ۲۶ - شرط پنجم قصر نماز- مسئله ۲۷ و ۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله بیست و ششم: گاهی می شود که در ابتدای سفر نیت اقامت ۱۰ روز در سفر یا مرور بر وطن ندارد بنابراین نیت سفر دارد، چند کیلومتری که در مسافت می رود یک مرتبه نظرش برمی گردد، قبل از این که به ثمانیه الفراسخ برسد نیت می کند که اقامت یا مرور بر وطن بکند. دو مرتبه از این نیتش صرف نظر می کند و تصمیم می گیرد بر اینکه این دو کار را انجام ندهد.

سؤال این است که آیا این دو عزمی که داشت عزم اول و عزم دوم در سفر آیا ضمیمه هم می شوند؟ با فرض این که در عزم دوم که دوباره تصمیم بر سفر می کند به اندازه مسافت به تنهایی نباشد و ناچار باشد که بخواهد ضمیمه به آن عزم اولی بکند.

می خواهیم این را بگوییم که این وسط مقداری که تخلل بین دو عزم شده این مقدار وسط را ساقط بکنیم و عزم اول با عزم دوم را ضمیمه هم بکنیم و ببینیم آیا به اندازهی مسافت می شود یا نه؟ این جا می فرمایند اشکال هست که بخواهیم ضمیمه هم بکنیم. به خصوص اشکال بیشتر می شود در صورتی که در هنگام تخلل راه رفته باشد، یعنی بعد از عزم اول آنجایی که دیگر تصمیم داشت اقامت نکند یا مرور بر وطن نکند ۵-۶ کیلومتر، ۱۰ کیلومتر راه رفته و بعد دوباره تصمیم گرفته که مثلاً ۱۵ کیلومتر برود و فرض این است که بار اول هم در تصمیمش ۱۰ کیلومتر با عزم سفر رفته و روی هم ۲۵ کیلومتر رفته است. آیا نمازش شکسته است یا نه؟ می گویند احتیاط به جمع است نظیر آنچه که در شرط سوم گذاشت.



دو مطلب را در فرمایش ایشان عرض می‌کنیم؛

نکته اول همان چیزی است که در شرط ثالث انتخاب و اختیار کردیم. این بود که اگر بین عزمین هیچ فاصله‌ای نیفتاده باشد، راه نرفته باشد، گفتیم اظهر آن است که باقی بر سفر هست. عزم اول را داشت بعد نشسته بودند که چایی بخورند آن‌جا تصمیم گرفت که اقامت بکند دوباره همان‌جا که نشسته بود تصمیم به سفر گرفت، این‌جا اظهر آن است که این دو عزم ضمیمه هم می‌شود و همین‌طور اگر تخلل قلیل باشد یعنی چند قدمی پیاده‌روی داشت به طوری که عرفاً صدق سفر و مسافر بر او بکند باز می‌گوییم این دو ضمیمه هم می‌شوند.

نکته دوم در صورت تخلل کثیر هست عرفاً. آن‌جا می‌گوییم اگر تخلل کثیر باشد یعنی وسط بین دو عزم مثلاً یک کیلومتر راه رفته با همان تصمیمی که داشت که اقامت بکند و بعد دوباره از تصمیمش برگشت، در این صورت آنچه که در عزم اول طی کرده است، از عزم دوم قطع می‌شود لذا دیگر وجودش کالعدم است اگر بعد از آن تخلل در عزم دوم چهار فرسخ نیت بکند، نماز شکسته است و الا تمام است.

پنجم از شروط این است که **سفر حرام** نباشد و الا اگر حرام بود نماز کامل است. سفر حرام را بر دو قسم می‌کنند؛

قسم اول این است که خود سفر حرام است مثل این که واجب باشد که به جنگ برود و این آقا فرار از جنگ می‌کند یا عبدی که از دست مولای خودش فرار می‌کند یا سفر زوجه بدون اذن زوج آن هم در غیر سفر واجب مثل حج. مثال دیگر سفر ولد با نهی والدین آن هم در غیر سفر واجب. مثال دیگر سفری که مضر به بدن اوست، مثال دیگر نذر بکند که من سفر نمی‌کنم در صورتی که ترک سفر رجحان داشته باشد و... در این‌ها خود سفر از همان ابتدا حرام می‌شود و چنین سفری حرام است.

قسم دوم این است که خود سفر حرام نباشد ولیکن غایت سفر امر محرم باشد. نیت کرده که سفر بکند از ابتدایش نمی‌توانیم بگوییم که سفر حرام است اما قصدش این است که می‌خواهد برود قتل نفس محترمه انجام بدهد یا سرقت یا زنا بکند یا اعانه ظالم بکند یا مال مردم را ظلماً بگیرد و... این‌جا غایت سفر امری حرام است. در این دو قسم نماز تمام است. در مقابل این است که اگر لمعصیت سفر نکند و در اثنای سفر معصیت اتفاق بیفتد مثلاً همین‌طور که با رفیقش دارد می‌رود در اثناء راه غیبت

بکند یا شرب خمر بکند و یا زنا بکند و یا چنین کارهایی که غایت سفر حرام نیست، غایتش مثلاً دارد زیارت می‌رود اما در ضمن سفر غیبت می‌کند، این موجب تمام نماز نمی‌شود بلکه باید نمازش را قصر بخواند و روزه را هم باید افطار بکند.

در این مسئله **شش نکته** هست که عرض می‌کنم:

نکته اول: اصل مسأله اجماعی است ولیکن اجماعش مدرکی است. حدیث سه باب هشت از ابواب صلاه المسافر جلد پنجم وسائل، **صفحه ۵۰۹** صحیحہ عمار بن مروان هست که این عمار مورد وثوق نجاشی و غیر نجاشی از رجالین است. حضرت چند مورد از سفر حرام را مثال می‌زنند یکی را می‌گویند که سفر به صید باشد، سفر به صید را در باب بعدی که باب نهم هست، ۹ روایت هست که عزیزان می‌توانند آن‌ها را ملاحظه بکنند که می‌گویند کسی که دنبال صید حیوانی می‌رود او سفرش معصیت است و نمازش را باید کامل بخواند مگر این‌که روی هوا و هوس نباشد و صیدش برای قوت خودش و عیالش باشد که در آن‌جا روایات را ذکر می‌کند.

مورد دیگر امام صادق (ع) می‌گویند سفرش معصیت خدا باشد یا رسول و فرستاده‌ای برای کسی است که معصیت خدا را می‌کند، یا دشمنی را دارد جلب می‌کند، یا کینه و دشمنی است یا می‌رود که سعایت بکند یا این‌که به قومی از مسلمان‌ها ضرر بزند.

حدیث پنج از همین باب هشت می‌فرماید: «ثَبُعَةُ لَا يَقْضُونَ عَنْ الصَّلَاةِ» دو موردش این است «الرَّجُلُ يَطْلُبُ الصَّيْدَ يَرِيدُ بِهِ لَهْوَ الدُّنْيَا»، دنبال عیاشی است و به خاطر لهو دنیا می‌خواهد سفر کند و خوش‌گذرانی می‌کند «و المَحَارِبُ الَّذِي يَقْطَعُ السَّبِيلَ» یکی هم محاربی که راه را بر افراد و مردم می‌بندد، این‌ها نمازشان کامل است.

نکته دوم این هست که سفر معصیت غیر از معصیت در سفر است. «سفر معصیت» منظور قصد معصیت است که اصلاً قصد می‌کند به سفر برود تا گناهی را بکند؛ مثلاً قتل یک انسان محترم را انجام بدهد.

دوم این‌که «معصیت در سفر» آن است که قصدش از سفر معصیت نیست مثلاً می‌خواهد برود یک معامله‌ای بکند یا زیارت برود ولیکن معصیت در ضمن سفر انجام می‌دهد. سفر در ضمن معصیت اگر باز به معنای غایت باشد این همان چیزی است که سید نقل می‌کنند. سید می‌فرمایند که اگر غایت سفر معصیت است دوباره سفرش معصیت می‌شود چون در سفر می‌رود و معصیت انجام می‌دهد اما گاهی در ضمن سفر است و هدفش زیارت است و دیگر اشکال ندارد.

لذا **نکته سوم** ما همین است که اگر سفر برای معصیت نبود برای غایت معصیت هم نبود ولیکن معصیت در اثناء سفر اتفاق می‌افتد، ادله این موارد را شامل نمی‌شود بنابراین واجب است که نماز را شکسته بخواند.

نکته چهارم خروج زوجه بدون اذن زوج است که باید قید بزیم و بگوییم خروج زوجه بدون اذن زوج اگر عنوان نشوز بر آن منطبق باشد که مثالش این است که این زن چون دشمنی با او دارد خارج می‌شود و به سفر می‌رود یا مثلاً با حق استمتاع زوج منافات داشته باشد، در این موارد می‌توانیم بگوییم سفرش حرام است و الا بدون وجود نشوز یا بدون منافات داشتن با حق استمتاع مثلاً در ایام عادتش باشد و موارد دیگر که نباید مثال بزیم (چون در مثال‌ها باز ممکن است که شبهه‌هایی وارد بشود). به هر حال صرف خروج زوجه بدون اذن شوهر این را نباید بگوییم حرام است چون حکمش مشکل است.

نکته پنجم سفر ولد با نهی والدین هست که اگر والدین اذیت بشوند حرام است. در صورت اذیت شدن ولو نهی هم نکرده باشند دیگر کاری به نهی والدین ندارد چون ایذا بر مؤمنین حرام است ولو مؤمنین والدین هم نباشند، این یک عنوان کلی است

که ایداء بلاوجه حرام است، لذا اگر بدون اذیت آن‌ها باشد نمی‌توانیم بگوییم که اشکال دارد. حتی اگر نهی هم کرده باشند اما اذیت نشوند در این صورت دیگر اشکالی نیست و سفرش، سفر معصیت نیست.

نکته ششم: سفر ضرری هست. سفر ضرری را قبلاً گفتیم؛ هر سفر ضرری را نمی‌توانیم بگوییم که حرام است. سفر ضرری اگر از قبیل فساد عضوی از اعضا باشد مثلاً در سفر دستش را قطع می‌کند یا اتلاف مال معتد به باشد، به مقداری زیاد باشد که عقلاً وقتی بفهمند از این احتراز می‌کنند وگرنه مقدار اتلاف کم را گاهی عقلاً اعتنا نمی‌کنند، لذا در این موارد فساد عضو یا مال معتد به سفر حرام می‌شود و الا نه.

مسئله بیست و هفتم: اگر سفر مستلزم ترک واجب باشد، مثلاً مدیون است و سفر می‌کند و زیارت می‌رود، سفرش به قصد دیگر است اما چون طلبکارها مطالبه می‌کنند و امکان ادا هم در حذر هست نه در سفر، ولیکن این آقا می‌رود و لازمه رفتنش این است که طلبکارها نمی‌توانند وصول بکنند؛ آیا این موجب می‌شود که سفرش معصیت بشود و نمازش تمام باشد یا نه؟

سید می‌فرمایند اقوی آن است که ما تفصیل بدهیم آنجایی که به خاطر ترک واجب به سفر می‌رود یعنی عمداً می‌رود تا دینش را ادا نکند، این‌جا باید تمام بخواند، اما اگر قصدش توسل به ترک واجب نباشد، می‌خواهد زیارت برود، در این صورت نمازش شکسته است لکن احوط استحبابی آن است که در صورت دوم جمع بخواند.

ما سه مطلب در این فرمایش داریم.

نکته اول: قصد توسل به ترک واجب این موجب می‌شود که سفر مقدمه ترک واجب بشود. همین اندازه که قصدش این است که می‌خواهد ترک بکند، چطوری؟ سفر می‌رود پس سفر مقدمه ترک واجب می‌شود.

خلافاً به آیت‌الله‌العظمی حکیم، ایشان گمان کردند کُن فی الحذر و کُن فی السفر از قبیل ضدین است، پس هیچ کدام مقدمه دیگری نیست. من فرمایش ایشان را این‌طور عرض می‌کنم که مثلاً اسود و ابیض که ضدین است هیچ کدام مقدمه ترک دیگری نیست و نمی‌توانیم بگوییم ابیض مقدمه‌ای برای ترک اسود است یا بالعکس یا این‌که بگوییم ترک اسود مقدمه این است که می‌خواهد سفید بشود، آن هم نیست.

اما به ایشان عرض می‌کنیم که فرمایشتان با ما نحن فیه تناسب ندارد چون فرض این است که این آقا توسل به ترک واجب می‌خواهد بکند، می‌خواهد دین را ادا نکند، راهش را این می‌بیند که اگر در خانه باشد از او می‌گیرند پس حرکت می‌کند و می‌رود، این قصد باعث می‌شود که سفرش مقدمه ترک واجب شود.

نکته دوم: این است که قصد ترک واجب غایت از سفر می‌شود و باز می‌بینیم آیة‌الله‌العظمی حکیم گفتند که التفات به غایت مذکوره غیر از قصد توسل است. به ایشان عرض می‌کنیم که این‌طوری نیست؛ کسی که قصدش از سفر این است که می‌خواهد در وطن نباشد تا طلبکارها نیابند این همان التفات به غایت مذکوره است، این‌ها یکی است. نمی‌دانم چرا اینجا ایشان این‌طوری گفتند و مشابه این ایرادات به کلام ایشان زیاد در این قسمت دیده می‌شود.

نکته سوم: این است که معیار در اینکه می‌گوییم سفر می‌کند تا از دست طلبکارها نجات پیدا بکند معیارش قصد است نه ترتب معصیت و وقوع معصیت ولو قصد هم نکرده باشد، لذا می‌گوییم اگر قصد معصیت دارد یعنی قصدش این است که از طلبکارها

نجات پیدا بکند ولو مترتب هم نشود به این معنا که در سفر، آخرش بیایند از او بگیرند باز هم این نمازش تمام است. مراجع همه از سید در این مسئله تبعیت کردند.

مسئله بیست و هشتم: اگر سفر مباح بود لکن اگر سوار دابه‌ی غصبیه شد (و امروز خودروی غصبی می‌گوییم) یا مشی او در ارض مغصوبه باشد، کل آن مسیری که می‌رود در زمین مغصوبه حرکت می‌کند، آیا نمازش چطور است؟ سید می‌فرماید اقوی آنست که قصر بخواند و لکن احوط استحبابی جمع است.

در این فرمایش سید **دو مطلب** داریم.

نکته اول: چنین سفری در این‌جا تصرف در مال غیر محسوب می‌شود چه مثال اول‌شان که سوار دابه‌ی غصبی شده و چه مثال دومشان که مشی در زمین مغصوبه باشد.

نکته دوم: شارع به این تصرف در مال غیر راضی نیست اما وقتی روایت‌ها را نگاه می‌کنیم می‌بینیم شارع تجویز قصر که می‌کند یک نوع اکرام به مؤمن و ارفاق به اوست؛ یعنی می‌خواهد به مسافر تکریم بکند می‌گوید نمازت را شکسته بخوان و حتی ما داریم که اگر برای طلب فضول مسافرت کرد نه حرام مثل همان صیدی که داشتیم، ما خیلی روایت داشتیم که می‌گفت اگر به دنبال صید رفت نمازش دیگر شکسته نیست مگر این‌که برای قوت خود می‌رود و گرسنه است؛ آن اشکالی ندارد چه برسد به این‌که طلب غیر یا تصرف در مال غیر بکند. چطور شارع اجازه می‌دهد؟ شارع وقتی اجازه نمی‌دهد که تصرف در مال غیر باشد لذا باید بگوییم سفرش حرام است و نمازش کامل است.

این مثال‌ها غیر از ارتکاب حرام در اثناء سفر است که مثلاً می‌گفتیم نظر به حرام در اثناء سفر بکند یا غیبت بکند آن را گفتیم اشکالی ندارد نسبت به شکستن نماز و نماز شکسته است ولو یک کار حرامی هم انجام بدهد. لذا روایات فراوانی داشتیم که گفتم ۹ روایت در باب صید هست که می‌گوید اگر به دنبال صید رفت نماز کامل است مگر صیدش معقول باشد، برای رفع نیازش باشد.

از آن روایت‌ها می‌فهمیم که کسی که سوار دابه‌ی غصبی می‌شود شارع راضی به سفر این چنینی نیست یا مشی در زمین مغصوبه می‌کند این‌هم همین‌طور است. مثلاً مرسله‌ی عمران بن محمد بن عمران **حدیث پنج باب ۹** را ملاحظه بکنید.

مرسله هست. فردی دنبال صید بیش از چهار فرسخ رفته امام صادق (ع) فرمودند هم روزهاش را افطار می‌کند و هم نمازش را شکسته می‌خواند. ببینید این عبارت خیلی عبارت عجیبی است؛ می‌گویند این ارزش و کرامتی ندارد که خدا بخواهد این مسافر را تکریم بکند چون خدا نمی‌خواهد تکریم بکند پس نباید نمازش را شکسته بخواند.

در واقع باید سفر مطلوب پروردگار باشد. اگر سفر مطلوب خداست نماز شکسته می‌شود اما آنجایی که برای صید است می‌گویند نه صید برای طلب فضول دارد می‌رود.

نتیجه می‌گیریم که سید فرمودند اقوی قصر است عرض کردیم که نه و اقوی تمام است. بله اگر حج انجام بدهد در مقصد با همین دابه‌ی غصبی که رفته یا معامله و خرید و فروش کرد آن عملش صحیح است. حضرت امام (ره) می‌گویند احتیاط را در مورد مشی در ارض مغصوبه ترک نکنند ولیکن ظاهراً فرقی بین این دو نیست. شارع چنین سفری را تکریم نمی‌کند و این آقا را اکرام نمی‌کند.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: جواد جلوانی، حدیث، درس خارج فقه، سید ابوالحسن مهدوی، مدرسه علمیه صدر بازار، نماز مسافر

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.